



اجتماعی

«هر جا پی می‌برند درویش هستم، مرا برکنار می‌کنند»

نیوشا بقراطی ۱۳۸۹/مرداد/۱۲



نام درویش و درویشگری، با قدمت طولانی خود در تاریخ ایران، همواره تصویرساز نوعی از عرفان اسلامی در ذهن مخاطب بوده است؛ عرفانی در هم پیچیده با مؤلفه‌های ملی و مذهبی؛ از «پندار و گفتار و کردار نیک» گرفته تا «عشق به علی». این روزها اما این تصاویر جای خود را، رفته رفته، به تصویری پررنگ از چالش‌های اجتماعی و برخوردهای امنیتی می‌دهد.

طی سال‌های گذشته و به ویژه از زمان آغاز به کار دولت محمود احمدی‌نژاد، گزارش‌های پرشماری از بازداشت، احضار، تهدید، و حتی حمله به حسینیه‌های دراویش نعمت‌اللهی گنابادی منتشر شده است.

در مقیاسی گسترده‌تر و عمومی‌تر اما، شاید یکی از بزرگترین چالش‌های اخیر دراویش را باید محرومیت‌های شغلی دانست؛ مسئله‌ای که به گفته پیروان این آیین شیعی، روز به روز صورت وخیم‌تری به خود می‌گیرد.

یکی از همین دراویش، بیژن بیدآباد، پژوهشگر و استاد پیشین اقتصاد در دانشگاه، در گفت‌وگو با رادیو فردا از تجربیات پرشمارش در استخدام‌ها و اخراج‌های مکرر می‌گوید.

• آقای بیدآباد، به دلیل عقاید خود با چه مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اید؟

البته من به کرات از سمت‌هایی که داشتم اخراج شده‌ام و سمت تدریس یکی از آنها است. در مجموع من از کلیه حقوقی که یک استاد دانشگاه می‌تواند برخوردار باشد محروم شده‌ام، به این شکل که اجازه تدریس در دانشگاه‌های مختلف را ندارم و حتی وقتی به عنوان حق التدریس در جایی مشغول می‌شوم از آنجا هم برکنار می‌شوم.

مضاف بر این که حتی اگر مقاله‌ای علمی به یک کنفرانس بدهم و مقاله‌ام پذیرفته شود، در شب آخر اسم مرا از لیست سخنرانان حذف می‌کنند یا در مصاحبه‌هایی که بخش‌هایی از صدا و سیما با من انجام می‌دهند تصویرم را از تلویزیون حذف می‌کنند.

• برای این اقدامات خود توضیحی هم به شما می‌دهند؟

خیلی از مصاحبه‌کننده‌ها از دانشجویان من بودند و وقتی علت این موضوع را از آنان سؤال می‌کنم، می‌گویند به خاطر داشتن شارب و سبیل است و نمی‌خواهند تو را پشت تلویزیون نشان دهند.

• آقای بیدآباد، در مورد کرسی دانشگاهی شما چطور؟

من عضو هیئت علمی پژوهشی مؤسسات پولی و بانکی بانک مرکزی بودم که در سال ۸۴ یعنی ابتدای دولت نهم بدون هیچ علتی مرا اخراج کردند.

• توضیحی به شما ندادند که چرا اخراج می‌شوید؟

البته توضیحات آنها همیشه شفاهی است و هرگز کتبی نیست. من تلاش کردم ایران را به یک پروژه بین‌المللی تحت نظر سازمان ملل متصل کنم و آنها مایل بودند تمام اقدامات و فعالیت‌های من تحت نظر وزارت اطلاعات باشد و من با این مسئله موافقت نکردم و مباحث علمی را جدای از مباحث سیاسی دانستم.

• **پس در مورد اخراج از کرسی تحقیقی یا تحصیلی، به مسئله درویش بودن‌تان اشاره‌ای نشده است؟**

چرا دقیقاً به مسئله درویشی اشاره شد. آنها به صراحت گفتند چون درویش هستی و به بزرگان درویش ارادت داری و تبعیت می‌کنی ما نمی‌توانیم به تو اجازه دهیم این فعالیت را ادامه دهی.

• **آیا شما فعالیت اجتماعی و سیاسی خاصی هم داشته یا دارید که بتوان گفت به این خاطر آن اخراج شده‌اید؟**

من فعالیت سیاسی و مدنی خاصی ندارم، ولی علاقه‌مند به تصوف و عرفان هستم و سال‌هاست که به بزرگان سلسله درویش نعمت‌اللهی گنابادی ارادت داشته و دارم.

• **آقای بیدآباد، گزارش‌های مختلفی به گوش می‌رسد در مورد این که درویش از حق اشتغال و برخی دیگر از حقوق اجتماعی محروم می‌شوند به خصوص در سه چهار سال گذشته. شما فکر می‌کنید چرا در مورد درویش چنین رویکردی وجود دارد؟**

سابقه این موضوع برمی‌گردد به فوت آقای خمینی که از آن به بعد فشار بر درویش شدید می‌شود. در سال ۱۳۷۰ بخشنامه هیئت عالی گزینش صادر شد که طبق آن کلیه مراکز فرهنگی، آموزشی، صدا و سیما، وزارت ارشاد، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و مراکز سیاسی-امنیتی ممنوع شدند از این که درویش را استخدام کنند و این موضوع به تمام بخش‌ها و دستگاه‌های تابع دولت ابلاغ شد.

البته قبل از آن در زمان دولت آقای موسوی چندین بار به حقوق شغلی درویش تعرض کردند که آقای موسوی طی یک بخشنامه به تمام ادارات ابلاغ کرد که هیچکس حق چنین اجتهاد شخصی را ندارد و طبق قانون اساسی باید عمل شود. این موضوع به خصوص در مورد درویش اهل حق در غرب ایران بود.

بخشنامه هیئت عالی گزینش مغایر با قوانین و قانون اساسی یا مقاله‌نامه‌های بین‌المللی است که ایران پذیرفته است. برای مثال مقاله‌نامه بین‌المللی ۱۱۱ در مورد تبعیض در امور استخدام و اشتغال است که در ۲۵ ژوئن ۱۹۸۵ به امضای ایران رسید و سال ۱۳۴۳ مجلس ایران آن را تصویب کرد.

به این صورت دولت‌ها موظف می‌شوند هر گونه تبعیض در استخدام و اشتغال را از بین ببرند اما بخشنامه‌ای که آقای دری نجف آبادی در سال ۷۰ در هیئت عالی گزینش تدوین کرد برخلاف قانون بود.

• آقای بیدآباد، اکنون نسبت به آن زمان شرایط تغییری کرده است؟

در آن سال‌ها فشار کم بود و منوط می‌شد به استخدام‌های رسمی و مراکزی که در آن بخشنامه ذکر شده بود، ولی بعد این موضوع گسترش یافت و حتی به بورس‌های تحصیلی رسید و برای مثال زمانی که دانشجو بودم برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا از بورس تحصیلی به دلیل درویشی محروم شدم و مشخصاً به من گفتند علت این که بورس به تو تعلق نمی‌گیرد درویشی است.

بعد از آن نوبت به ارتش رسید و کسانی که درویش بودند را اخراج کردند. در سال‌های اخیر هم کار به شرکت‌های دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت رسیده و تمام بنگاه‌هایی که پروژه‌های دولتی انجام می‌دادند درویش را تحت فشار گذاشتند و اخراجشان کردند به خصوص درویشی که صداقت و اعتقادشان عمیق‌تر و بیشتر بود.

• تحلیل شما در مورد این برخوردها که به عنوان مثال در مورد خودتان صورت گرفته چیست؟

من به عنوان یک پژوهشگر شاید نزدیک به ۳۰۰ عنوان کتاب و مقاله تحلیلی و تحقیقی دارم، ولی اگر مرا از کار برکنار می‌کنند دو دیدگاه می‌تواند وجود داشته باشد، یا قصد دارند نیروهای زبده را از صحنه خارج کنند یا این که ناآگاهی خاصی نسبت به مسایل مدیریتی کشوری دارند.

یک دیدگاه فعلاً در تشکیلات دولتی ایران شکل گرفته که بسیار غیراسلامی است به رغم آن که رنگ و بوی اسلامی به آن داده می‌شود. به طور مثال حدود سه هفته پیش گزارشی در یکی از روزنامه‌های وابسته به سپاه (روزنامه جوان) منتشر شده بود مبنی بر این که درویش را باید مثل موش کشت.

اگر کسی اندکی تعمق کند می‌بیند این مسایل به هیچیک از قواعد اسلام مربوط نیست. در جامعه اسلامی جان، مال، ناموس و آبروی فرد مسلمان در امان است، ولی چطور می‌شود گروهی بگویند گروهی دیگر از مسلمانان را باید مثل موش کشت.

منظورم این است که دیدگاه قشری‌گری اشتباهی که به اسم اسلام به یک سری افراد که نسبت به دستورات اسلام ناآگاه هستند القا شده، در حال رشد است و از شروع دولت نهم رشد آن بیشتر شده است. فشارهای اقتصادی بر درویش آن قدر افزایش یافته که کار حتی به شرکت‌های خصوصی و مغازه‌ها رسیده است و من بخشنامه‌ای دیدم از طرف یکی از ادارات بازرگانی به استان‌ها که حتی استفاده از واژه «هو ۱۲۱» را منع کرده بود که مورد استعمال درویش است و تیمماً و تبرکاً آن را بالای سر در مغازه‌هایشان یا نامه‌هایشان می‌نویسند.

این به معنی تعرض آشکار به حقوق فردی است و کسانی که این کار را می‌کنند مایل نیستند حتی از قوانین موضوعه کشور تبعیت کنند و خودشان تصمیم می‌گیرند و قانون وضع می‌کنند و حقوق افراد را نقض می‌کنند. نتیجه این شده است که در ابعاد مختلف شغلی تلاش کنند درویش‌ها را از کار برکنار کرده و آنها را گوشه‌گیر کنند.

• شما جزو متخصصین و کارشناسان اقتصادی ایران هستید. اکنون وضعیت شغلی شما چگونه است و آیا جایی در رشته تخصصی خود مشغول به کار هستید؟

من بیکار نیستم و هر از چندی در جایی کار می‌کنم ولی بعد از این که محل کارم پی می‌برند درویش هستم مرا از کار برکنار می‌کنند. سمت‌هایی که می‌گیرم مشاوره‌ای است چون به درویش‌های سمت‌های تصمیم‌گیری داده نمی‌شود و فقط سمت‌های مشاوره‌ای داده می‌شود، آن هم در مقطع کوتاه. در حال حاضر من هر چند ماه یک بار شغلم را از دست می‌دهم و دوباره شغل جدیدی پیدا می‌کنم و به این شکل گذران عمر می‌کنم.

نیوشا بقراطی



نیوشا بقراطی در سال ۱۳۸۴ به عنوان گزارشگر و مجری به رادیو فردا پیوست. او میزبان برنامه زنده هفتگی «ساعت ششم» است و از سال ۱۳۹۰ سردبیری بخش صوتی و تصویری رادیو فردا را بر عهده دارد

© 2019 تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.